هو العلیم

آداب مجالس عزاداری سیدالشهدا علیه السّلام و دستورات بزرگان راجع به ماه‌های محرم و صفر

برگرفته از آثار:
حضرت علاّمه آیةالله حاج سیّد محمّدحسین حسینی طهرانی
و
حضرت آیةالله حاج سیّد محمّدمحسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرهما

أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيم
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحيم
وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ
وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى أعْدائِهِمْ أجْمَعينَ مِنَ الآنَ إلَى قِيامِ يَوْمِ الدّينِ

قالَ اللهُ الْحَكيمُ فى كِتابِهِ الْكَريم:
﴿وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ﴾[1]

رَحِمَ اللهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا[2] منظور از «احیاء امر» یعنی زنده نگه داشتن ذکر و یاد امام علیه‌السّلام و خاطرات امام علیه‌السّلام و به طور کلی زنده نگه‌داشتن حقیقت ولایت در ضمن پرداختن به ظواهری که حکایت از آن مسأله کند

«شيعَتُنا خُلِقوا مِن فاضِلِ طينَتِنا، يفرحونَ لِفَرَحِنا وَ يحزَنونَ لِحُزنِنا[3]

شیعیان ما، اینها از زیادی خاک و تراب خلقت ما آنها آفریده شده‌اند»؛ یعنی از همان حقیقت نورانی که خداوند وجود ما را از آن حقیقت نورانی آفرید، شیعیان ما هم از تتمّه آن نور و از فاضل آن نور و زیادی آن نور، خلق شده‌اند. بنابراین وجه تشابه بین شیعه و آن ذوات مقدّسه در این است که انسان خود را مستنّ به سنّت آنها قرار بدهد و همیشه پیروی از آنها را نُصبُ العین خود قرار بدهد[4]

تأکید ائمه هدیٰ و اولیای الهی بر اقامهٔ عزای سیّدالشهداء

دأب و دیدن ائمّه علیهم‌السّلام؛ امام باقر و امام صادق و موسی بن جعفر و امام رضا و بقیّه ائمّه این بود که در ایّام محرّم (دهه عاشورا) منزل خودشان را به موقعیّت حزن و اندوه بر مصیبت کربلا درمی‌آوردند و از افراد دعوت می‌کردند برای اینکه بیایند و روضه بخوانند و ذکر مصیبت کنند و خلاصه یاد آن حادثه و مسأله سیّدالشّهدا علیه‌السّلام را زنده نگه‌می‌داشتند.[5]

مرحوم آیةالحق و العرفان سید علی قاضی ـ رضوان اللَه علیه ـ در وصیتنامه خود می‌فرمایند:

«و در مستحبّات ترک تعزیه‌داری و زیارت حضرت سیدالشّهدا مسامحه ننمایید. و روضه هفتگی

---

[1] سورهٔ حج (۲۲)، آیهٔ (۳۲)؛ و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های با تقواست.(مترجم)
[2] دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ٦٣ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۵.
[3] با قدری اختلاف الأمالی، شیخ طوسی، ص ۲۹۹؛ بشارة المصطفی (ط – القدیمة)، ص ۱۹٦.
[4] برگرفته از شرح حدیث عنوان بصری، جلسهٔ ۳۲.
[5] شرح حدیث عنوان بصری جلسهٔ ۳۲.

ولو دو سه نفر باشد، اسباب گشایش امور است؛ و اگر از اوّل عمر تا آخرش در خدمت آن بزرگوار از تعزیت و زیارت و غیرهما بجا بیاورید، هرگز حقّ آن بزرگوار اداء نمی‌شود. و اگر هفتگی ممکن نشد، دهه اوّل محرم ترک نشود.»[1]

آداب مجالس عزاداری سیدالشهدا

۱. نیت خالص، شرط اصلی برگزاری مجالس سیدالشهدا علیه السّلام

سیدالشهدا علیه السّلام در آن مجلسی که از روی اخلاص و نه ریا و تظاهر برپا بشود حضور پیدا می‌کند![2]

۲. پرهیز از تبلیغ

این مجالس باید بدون هیاهو و تبلیغات و نصب آگهی و پوستر و امثال‌ذلک باشد. در این مجالس صرفاً به بیان معارف دینی و مطالبی بر محوریّت آن معصوم پرداخته شود، و از ذکر و تعریف و تمجید بانی احتراز گردد.[3]

۳. با وضو و طهارت وارد مجلس شدن

کسی که وارد روضه‌ی امام حسین علیه السّلام می‌شود باید با وضو وارد بشود، حمام برود و خود را تنظیف کند و با لباس تمیز وارد شود، نه با لباسی که موجب اشمئزاز و آزار و اذیّت دیگران است.[4]

٤. اهمّیت برگزاری مجالس در بین‌الطلوعین

بهترین وقت برای مجالس روضه «بین‌الطّلوعین»[5] است و فیوضاتی که در بین‌الطّلوعین برای انسان حاصل می‌شود، در سایر مواقع نیست.

۵. پرهیز از هیاهو و رعایت نظم و انضباط و استفاده از منبر

مجلس امام علیه السّلام باید وزین و منضبط و سنگین باشد، و باید از منبر به‌جای صندلی و مبل استفاده شود؛ تریبون[6] از ره‌آوردهای غرب، و مذموم است و نباید در محافل ذکر و مجالس عزاداری مورد استفاده واقع گردد. اگر روضه و مجلس جشن ائمه در منزل برگزار می‌شود، مناسب است یک منبر سه‌پله برای

---

[1] مهر تابناک، ص ۳۳۹.

[2] شرح حدیث عنوان بصری جلسهٔ ۱٦۳.

[3] مبانی اخلاق در آیات و روایات؛ ج ۱، ص ۱۱۹.

[4] شرح حدیث عنوان بصری جلسهٔ ۱٦۳.

[5] بین‌الطلوعین: فاصلهٔ زمانی میان اذان صبح تا طلوع آفتاب.

[6] فرهنگ فارسی عمید؛ میز بلندی که جلوی آن پوشیده است و سخنران در هنگام صحبت پشت آن می‌ایستد.

آنجا تهیّه شود.

هیچ رحجانی برای بیرون آوردن لباس هنگام سینه‌زنی وجود ندارد، و از داد و بیداد و نعره‌های دهشتناک و طولانی شدن عزاداری باید پرهیز شود.[1]

در مجلس امام حسین علیه السّلام باید عزاداری به نحوی باشد که از صورت عادی خارج نشود! نباید داد و بیداد تصنّعی باشد! حالا یک شخصی از خود بی‌خود می‌شود و ناله‌ای می‌کند، صدایش را بلند می‌کند، خب اشکال ندارد.[2]

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: «**وَ ارْحَمْ تِلْکَ الصَّرْخَةَ**؛[3] خدایا این ناله و فریادی که می‌آید، خدایا مورد رحمت قرار بده!» اما آیا خود ائمه هم در همهٔ مجالسشان داد می‌زدند؟! نه، عادی گریه می‌کردند. گاهی اوقات صدایشان هم شنیده می‌شد ولی به نحو متعارف. اما این که آدم داد بزند، اینها صحیح نیست. بایستی که آن متانت و آن وزانت محفوظ باشد تا این که انسان بیشتر استفاده کند.[4]

٦. پرهیز از افراط در سیاه پوش کردن مجالس

در هنگام عزاداری و مصیبت، علائم عزا در فضای مجلس مشهود باشد؛ البتّه افراط در سیاه‌پوش کردن نیز صحیح نیست و هر چیز باید به حدّ اعتدال باشد.[5]

٧. نصب فرمایشات سیدالشهدا به صورت تابلو

مرحوم علامه طهرانی ـ رضوان اللَه علیه ـ در کتاب لمعات الحسین علیه السلام آورده‌اند که:

«و چه خوب بود فرمایشات آن حضرت که حاوی یک دنیا عزّت و شرف و سربلندی و استقلال و ایمان و ایقان و صبر و ثبات و فتوّت و جوانمردی است، در روی تابلوها و پرده‌هائی با ترجمه شیرین و شیوای آن نوشته می‌شد و مانند اشعار محتشم در مجالس عزاداری و تکایا نصب می‌گردید، تا واردین و شرکت کنندگان در مجلس، در عین استفاده سمعی از خطبا و گویندگان راستین؛ استفاده بصری نیز نموده، و عین آن کلمات را حفظ و سرمشق زندگی و عمل خود قرار می‌دادند.»[6]

٨. تفکر و دقت در حرکت سیدالشهدا عملکرد آنحضرت در روز عاشورا

---

[1] مبانی اخلاق در آیات و روایات؛ ج ١، ص ١١٩.

[2] شرح حدیث عنوان بصری جلسهٔ ١٨٤.

[3] کامل الزیارات، ص ١١٧.

[4] شرح حدیث عنوان بصری جلسهٔ ١٨٤.

[5] مبانی اخلاق در آیات و روایات ج ١، ص ١٩.

[6] لمعات الحسین علیه‌السلام، ص ٧.

بزرگان توصیه می‌کردند در قضیه عاشورا به آن حقایق و مطالبی که نهفته است توجه داشته باشید.

قدم به قدمِ واقعه کربلا درس است. یک دوران برنامهٔ سلوکی در یک داستان عاشورا! هیچ‌کس دیگر نیازی به چیزی ندارد، همین‌قدر [اگر انسان] بیاید برنامهٔ امام حسین و رفتار و روش و اصحاب و اینها را یک مطالعهٔ عمیق بکند، کافی است و نیاز به چیز دیگر ندارد![1]

۹. عدم اختلال در آرامش مردم

صدای ذاکر و خطیب نباید به بیرون از مکان برگزاری [مجالس] برود و موجب اذیّت و آزار همسایگان گردد. و بر همین اساس، دسته‌جات سینه‌زنی باید پیش از موقع استراحت مردم به جایگاه‌های خود بازگردند و نباید تا دیروقت در خیابان‌ها آمد و طبل زد و آرامش را از مردم و اجتماع گرفت. در این منازل مریض وجود دارد، بچهٔ شیرخوار است، امام حسین برای احیای ارزش‌ها آمده است، نیامده است که شهر را به هم بریزد!

۱۰. پرهیز از آلات موسیقی و بلند کردن علم

از استفادهٔ طبل و شیپور و نی و آلات موسیقی پرهیز کنند و عَلَم‌هایی که در عزای سیّدالشهّدا این عَلَم‌ها را می‌برند علامت صلیب است! و تمام اینها حرام است.

۱۱. یکنواخت بودن مجالس امام حسین علیه السّلام

مجالس عزا باید یکنواخت باشد! اگر قرار است همه بنشینند، همه باید [روی زمین] بنشینند نه این که یک عده روی صندلی و یا سکو و بقیّه روی زمین بنشینند! و اگر قرار است همه سینه بزنند، همه باید سینه بزنند! دو قسم کردن مجالس امام حسین علیه السّلام غلط است.

۱۲. کیفیت پذیرایی در مجالس

اطعام در مجالس اهل‌بیت باید مانند اطعام در سایر مراسم باشد و کیفیتی را که در سایر مناسبت‌ها مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، در مجالس اهل‌بیت نیز رعایت شود.

۱۳. پرهیز از برگزاری مجالس زیاد

مجالس اهل‌بیت باید موجب نشاط و انبساط و شوق و رغبت نفس گردد؛ ولی تکرار زیاد در انعقاد این‌گونه مجالس موجب عادت و دلسردی و عدم رغبت می‌شود. بنابراین باید در همان حدّ متعارف از برگزاری این مجالس اکتفا نمود و به عناوین مختلف، از نذر و عادت و تظاهر بین افراد، به تکرار و استمرار این مجالس

---

[1] شرح حدیث عنوان بصری جلسات ۲۰۳ و ۲۲٤.

نپرداخت.[1]

وظائف خطیب و سخنران:

الف: استفاده از منبر

خطیب باید از منبر برای ایراد خطابه استفاده کند و نه از تریبون، زیرا تریبون از دست‌آوردها و فرهنگ غرب آمده است و قطعاً تأثیری که از منبر برای مستمعین حاصل می‌شود هیچ‌گاه به‌واسطهٔ تریبون و میز پیدا نخواهد شد. منبر باید پشت به قبله باشد تا اینکه مستمعین رو به قبله بنشینند و به سخنان خطیب گوش فرا دهند.

ب: بالابردن میزان آگاهی مردم

منبری باید میزان معرفت و سطح آگاهی شنوندگان را مدّ نظر قرار دهد و مطابق با سعهٔ معرفتی آنان مطلب را انتخاب کند و آنها را بالا آورد و رشد دهد، و بالاتر از حدّ فهم آنان سخن نگوید. و اینکه بعضی می‌گویند: «ما سخن خود را می‌گوییم، مخاطبین خود افق فهم و درک خویش را بالا آورند!» سخن غلطی است؛ زیرا اولاً: وظیفهٔ ارتقاء معرفت و بصیرت برعهدهٔ شخص خطیب است، و الاّ دیگر سخن گفتن معنی و مفهومی نمی‌داشت! ثانیاً: مخاطب به واسطهٔ عدم درک صحیح از سخنان خطیب، دلسرد و کسل می‌گردد و دیگر جایی برای رشد و صعود او باقی نمی‌ماند.

ج: طولانی صحبت نکردن

خطیب نباید سخن خود را به درازا بکشاند و موجب ملال و افسردگی افراد گردد، زیرا طولانی شدن خطابه آثار مطلوب خود را زائل می‌گرداند. منبر از حدود چهل و پنج دقیقه تجاوز نکند. و اگر از صدای خوش بهره‌مند است، در میان خطابه چند بیتی از اشعار آبدار حضرت مولانا جلال الدین رومی و حافظ شیرازی و سایر بزرگان از اهل معرفت با صدای خوش بخواند که باعث نزول رحمت و استجلاب فیض خواهد شد.

د: لزوم استفاده از آیات قرآن و روایات و کلام اولیاء خدا

مطلبی را که برای ارائه انتخاب می‌کند، با استفاده از آیات وحی و احادیث مستند از حضرات معصومین علیهم السّلام و سخنان اهل معرفت باشد، و از مطالب روزمرّه که همگان از آنها مطّلع می‌باشند پرهیز نماید. و بداند که طرح مفاهیم و مبانی نورانی معرفت، موجب تغیّر و تحوّل حال و هوای مجلس و نزول برکات است؛ و در مقابل، مطالب سست و عادی، آن نورانیّت و روحانیت را از فضای مجلس سلب می‌نماید.

---

[1] برگرفته از شرح حدیث عنوان بصری، جلسات ۱۴۹، ۱۸۴، ۱۶۳و ۲۰۳؛ مبانی اخلاق در آیات و روایات، ج ۱، ص ۱۲۵؛ سالک آگاه، ج ۱، ص ۸۸.

ه: مطالعه و اشراف کافی نسبت به جوانب مسئله

بنابراین خطیب باید پیش از خطابه کاملاً به اطراف و جوانب مسئله اشراف داشته باشد، و برای تحصیل این منظور ساعت‌ها به مطالعه در منابع و مدارک بپردازد. و اگر آیه و روایتی می‌آورد، یا از روی نوشته‌ای بخواند و یا اگر از حفظ می‌خواند باید بدون غلط و دقیق خوانده شود. و نسبت به مطالبی که خود هنوز به عمق و درک کافی آنها نرسیده است، سخنی نگوید و مردم را به اشتباه و ابهام و خدای ناکرده انحراف نیندازد. مطلب برای گفتن بسیار است، دلیلی ندارد که انسان بخواهد به آن مطالب بپردازد و خلاصه عرض اندامی بکند. ورود در این‌گونه مباحث را برعهدهٔ اهل فن و اهل خبره قرار دهد.

و: اهمّیت اطلاع از تاریخ اسلام و بزرگان و عرفا

خطیب باید نسبت به تاریخ اسلام و ائمه هدی علیهم السّلام اشراف و اطلاع کافی داشته باشد، و حتماً در هر منبر از وقایع و حوادث و مطالب زمان معصومین علیهم السّلام سخن به میان آورد و مردم را نسبت به تاریخ اسلام مطّلع گرداند، و از احوال بزرگان و عرفای الهی و حکایات آنها و سخنان گهربار آنان به خطابه و سخنان خویش رنگ و جلا دهد و به آن مطالب روح و جان ببخشد. و به عبارت دیگر، نمونه و تمثّل عینی مبانی و معارف الهی را در ضمن بیان حکایات و تاریخ عرفای الهی به مخاطبین القا نماید و نشان دهد. در این زمینه مطالعهٔ کتاب‌هایی از قبیل تذکرة الاولیاء شیخ عطار و طرائق الحقائق شیروانی و حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی و غیر آنها می‌تواند مفید باشد.

ناگفته نماند: آنچه را که دربارهٔ خطبا و اهل منبر مذکور شد، دربارهٔ ذاکرین و مداحان نیز ساری و جاری است.

ز: پرهیز از تکرار مکررات و تعریف و تمجید از بانی

منبری پس از ذاکر، به تبیین مبانی مکتب تشیّع بپردازد و از بیان حواشی و اموری که خارج از محطّ بحث و تبیین است، دوری گزیند؛ مردم تشنهٔ معارف اهل‌بیت می‌باشند و از تکرار مکرّرات خسته شده‌اند. مردم پس از استماع سخنان خطیب باید احساس کنند به درک بهتر و انکشاف حقایق بیشتری دسترسی پیدا کرده‌اند.

در این مجالس باید صرفاً به بیان معارف و اهداف امام علیه السّلام و مطالبی بر محوریّت آن حضرت پرداخته شود، و از ذکر و تعریف و تمجید بانی [مجلس] احتراز گردد.

ح: بیان سخنان سیدالشهدا و ظرائف آن و قرائت مقتل

صحبت‌هایی و مطالبی که در مجلس عزا مطرح می‌شود باید فقراتی باشد که از سیّدالشهّدا علیه السّلام [به ما] رسیده است و روی آن فقرات صحبت شود، باید مقتل خوانده شود، ریزه کاری‌هایی که در تاریخ از

حرکت سیّدالشّهدا و اصحاب وجود داشته، بایستی که آن ریزه‌کاریها بیان شود تا اینکه بالأخره ما بفهمیم که چه‌کار باید بکنیم! و با همین آموزه‌ها روش خود را ترسیم کنیم. بالأخره باید از یک‌جا یاد بگیریم دیگر، بالأخره باید یک آموزگار و معلمی داشته باشیم و برای ما کدام معلم بهتر از جریان کربلا است؟! کدام آموزگار بهتر از سخنان حضرت و اصحاب است؟!

ط: پرهیز از مصلحت‌اندیشی

منبری باید بداند همین‌که بر روی منبر قرار می‌گیرد، در جایگاه رسول خدا و ائمه هدی سلام اللَه علیهم قرار می‌گیرد و فقط باید به آنان فکر کند و هیچ فرد و شخصیّت دیگری را در نظر نیاورد، و بداند باید در روز قیامت به صاحب شریعت و والی امر، حضرت حجّة بن الحسن ـ ارواحنا فداه ـ پاسخ‌گو باشد؛ پس زنهار زنهار که شخصیّت دیگری را (هرکه می‌خواهد باشد) در این موقف بگنجاند و در راستای ترویج و تبلیغ او سخنی بر زبان براند!

منبری در گفتار نباید ملاحظهٔ مصالح دنیوی و شئون مادی را بکند، بلکه آنچه را که خیر و صلاح مخاطبین می‌پندارد باید بیان کند و ملاحظه‌ای ننماید. و اگر به جایی قول داده است، جای دیگر نرود و به تعهّد خود ملتزم باشد.

ی: نام نبردن از واردین

افرادی که در مجلس حضور پیدا می‌کنند نباید نامی از آنها برده شود و یا برای واردین صلوات فرستاده شود. و اگر در مجلس ختم و ترحیم شخصی سخن می‌گوید فقط باید به بیان مناسبات این موضوع بپردازد و مردم را به‌سمت و سوی عالم آخرت و عقبات در پیش رو تنبّه و توجّه دهد، و از بیان اوصاف و حالات دنیوی و شخصیّت متوفّی پرهیز کند، مگر اینکه در راستای حرکت و سیر به عالم عقبیٰ باشد و تذکر آن موجب تنبّه و توجّه شود.

هم‌چنین وعّاظ باید بدانند که طرفشان امام حسین است! اسمی از کسی نباید بیاورند. مثلاً بگویند: «بله، بله، فلان آقا هم در مجلس ما حضور دارند.» خب دارند که دارند! یعنی چه اسم می‌آورید؟! صاحب مجلس امام حسین، امام زمان است نه آن کسی که در خانه‌اش جلسه انداخته است! نه آن کسی که بانی شده است! نه آن کسی که پرچم زده است! آنها صاحب مجلس نیستند، افراد، عادی و وسیله و واسطه هستند برای برقراری. صاحب مجلس کیست؟! صاحب مجلس فقط یکی است و آن امام زمان ـ ارواحنا فداه ـ است و بس!

پس بنابراین دلیلی ندارد انسان مصداق تعیین کند و اسم ببرد. دلیلی ندارد انسان بگوید: «خداوند بانی را چه کند و بر عزت و احترام او بیفزاید و خداوند سایهٔ او را [مستدام بفرماید].»

ک: بیان سنتها و اختصاصات سیدالشهدا مانند اربعین

در این مجالس خطیب باید به ذکر سنن مشروعه و آداب وارده از شرع مقدّس بپردازد. و مردم را به‌سمت اتّباع از سنّت اسلام و تشیّع سوق دهد، و اعوجاج و انحرافی را که در طیّ زمان بر این سنّت وارد شده است توضیح دهد. مثلاً راجع به اقامهٔ مجالس عزا و ترحیم باید بگوید که فقط سه روز است، و هفت و چهل و سال در شرع وارد نشده است، به خصوص اربعین که فقط مختصّ سیدالشهدا علیه السّلام می‌باشد و دربارهٔ هیچ‌یک از معصومین نیز معمول نبوده است.[1]

منبری در قرائت روضه باید به مقاتل صحیح و مستند مراجعه کند، و از بیان آنچه در بین السنه و افواه رایج است پرهیز نماید.

ل: پرهیز از روضه خواندن در اعیاد ائمه

از جمله مطالبی که بسیاری از خطبا، علی‌الخصوص مداحان و ذاکرین، به غلط آن را سنّت و روش خویش قرار داده‌اند، مسئلهٔ ذکر مصائب اهل‌بیت علیهم السّلام در مجالس جشن و سرور و موالید آنها است. مجلس جشن خصوصیّات خود را دارد و نباید با حزن و غم توأم شود، و الاّ آثار خود را از دست می‌دهد. ذکر مصیبت و روضه و حزن و گریه در مجالس سوگواری اهل‌بیت به جای خود، و جشن و سرور و شادی و انبساط در محافل و مجالس فرح به جای خود؛ آثار و برکات هر کدام از این دو مجلس برای تحوّل حال و نورانیّت نفس لازم است، و فقط منحصر به حزن و گریه بر مصائب آنها نمی‌باشد.

م: اخلاص و در نظر گرفتن رضای خدا و نه مسائل مادی

منبری باید برای رضای خدا سخن بگوید و به‌هیچ‌وجه در فکر و ذکر هدیه و پاداش مادی نباشد و با صاحب مجلس درباره مَبلَغ سخنی نگوید و حتّی پس از دریافت مقدار آن را نشمرد و از کمّیّت آن اطلاع حاصل ننماید و اگر احیاناً متوجّه مقدار آن گردید و آن را اندک شمرد، مبادا به روی آن شخص بیاورد و به رخ او بکشد، که در این‌صورت تمام زحمات و تلاش‌های او یک‌سره بر باد می‌رود و چیزی دست او را نخواهد گرفت و در باتلاق هواهای نفسانی و تعلّقات شهوانی فرو خواهد رفت.

و از مسائلی که منبری باید بداند این است که طرف[حساب] او کیست؟ طرف [حساب] او امام زمان است. صحبتی که می‌کند، نباید بخاطر عوض و یا هدیه‌ای باشد که به او داده می‌شود و اگر عوضی را دریافت می‌کند بداند که این عوض از ناحیهٔ حضرت آمده است! دیگر نباید او را بشمرد! مگر کسی هدیهٔ حضرت را می‌شمردکه هزار تومان یا نهصد تومان است؟!

---

[1] جهت اطّلاع بیشتر رجوع شود به کتاب اربعین در فرهنگ شیعه.

ن: اهمّیت احترام خطیب

از آن طرف هم افرادی که [منبری و خطیب] دعوت می‌کنند، باید احترام اشخاص را بگذارند. البتّه نه به عنوان این که یک نفر [عادی] حالا بیاید و او را احترام بگذارند، بلکه به عنوان مُبَلِغ دین و کسی که می‌آید تا وظیفه و تکلیف را ادای کند! باید به این جنبه به او نگاه کنند! ماشین بفرستند و او را بیاورند. با کمال احترام و کمال شایستگی باید فرد را دعوت کرد! نه، آقا بلند شو بیا!

س: تقدم مداح بر خطیب

از جمله اموری که لازم است در مجالس به آن توجّه شود، تقدّم و تأخّر خطیب و مدّاح است. در مجالس وعظ و محافل اهل‌بیت علیهم السّلام ابتدا ذکر مصیبت و یا مدیحه توسط ذاکر قرائت شود، آنگاه خطیب به ایراد خطبه و موعظه و ارشاد بپردازد که در این‌صورت تأثیر سخنان و موعظه بهتر و بیشتر خواهد بود.

ع: بیان دعاهای عمیق بقصد انشاء

دعاهای پس از خطابه باید عمیق و سنجیده و پرمحتوا باشد و از روی قصد و انشاء و نیّت صورت بگیرد، نه از روی عادت و روش معتاد.

وظائف مداح

مدّاح، پیش از منبری به ذکر مصیبت بپردازد؛ و از انشاءِ اشعار سبک و موهِن خودداری کند، نباید در اشعار افراط و اغراق شود، حسین اللّهی و... همهٔ اینها کفر است!

و چه بهتر که از اشعار اهل معرفت، همچون جناب حافظ شیرازی و سنائی و مولانا جلال‌الدّین رومی و عطّار نیشابوری، و بزرگانی چون حاج میرزا حبیب‌اللّه خراسانی و مرحوم کمپانی و حجّةالإسلام نیّر تبریزی و فؤاد کرمانی و فیض کاشانی و دیگران بهره‌مند گردد. اشعار و به‌خصوص نوحه‌ها باید دارای محتوا و مفاهیمی جان‌بخش و الهام‌گونه باشد، نه‌اینکه فقط آن جنبهٔ حزن و مصیبت بخواهد مورد توجّه قرار بگیرد!

مخصوصاً دسته‌جات عزاداری که بیرون می‌آیند، اینها باید اشعاری که انتخاب می‌کنند اشعاری باشد که پیام عاشورا را برساند. اینکه گفته شود اگر ما این‌طور نوحه نخوانیم، جوانها نمی‌آیند! [کلام صحیحی نیست]خب نیایند. شما دارید مرتبهٔ امام را پایین می‌آورید بخاطر این که دوتا جوان بیایند، اگر شما درست صحبت کنید، درست عزاداری کنید، درست نوحه را تنظیم کنید، آن دو جوان می‌آیند.

دستورات بزرگان راجع به ماه‌های محرم و صفر:

۱. شرکت در مجالس عزای اهل‌بیت علیهم السّلام

بزرگان نسبت به شرکت در مجالس عزای اهل‌بیت بسیار تأکید داشتند. مرحوم علامهٔ طهرانی ـ رضوان اللَه علیه ـ می‌فرمودند:

«سالک بدون توسل به سیدالشّهدا به مقصد نخواهد رسید!»

این مسئله یک اصل است و تمام کسانی که برای آنها فتح باب شده است از طریق توسل به سیدالشّهدا بوده است.

۲. همراه شدن با امام حسین علیه السّلام

در مجالس روضه باید خود را در کنار امام علیه السّلام تصور کنیم و احساسی را که در آن جریان برای حضرت و اصحاب آن حضرت پیش آمده را در وجود خود بیاوریم. وقتی که این احساس را بیاید، انسان بخواهد یا نخواهد اشکش جاری می‌شود.[1]

۳. آشکار کردن آثار عزاداری در منزل و محلّ کار

در ایّام محرم و صفر، آثارِ عزا و ایّام مصیبت اهل‌بیت باید در منزل و محلّ کار نمودار باشد. باید سیاهی نصب شود و پرچم گذاشته شود؛ البتّه نه به آن مقدار که موجب دل‌گرفتگی باشد؛ چراکه آن هم باعث می‌شود که بعضی از آن آمادگی و استعدادی که نفس و قلب برای ادراک این روحانیّت دارد، کم بشود.

و اما پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد ولی انسان می‌تواند لباس کدر بپوشد. البتّه فقط نسبت به سیّدالشّهدا استثنا است و کراهت ندارد، نه‌اینکه مستحبّ است. نسبت به سایر ایّام، پوشیدن لباس سیاه مکروه است، اما در خصوص سیّدالشّهدا این کراهت برداشته شده است و ما در مدّتی که در خدمت بزرگان بودیم و از نزدیک سیرهٔ و روش آنها را مشاهده می‌کردیم، ندیدیم که حتّی در این روزها هم آنها لباس سیاه بپوشند. لباس کدر می‌پوشیدند و حتی منع می‌کردند از اینکه لباس‌های روشن پوشیده بشود، و می‌فرمودند: «هر چیز جای خود را دارد»، اما خصوص لباس سیاه را ایشان [مرحوم علامه طهرانی] منع می‌کردند و حتی نسبت به خانم‌ها و مخدرات هم می‌فرمودند: «لباس، لباس سیاه نباشد، کدر باشد تا از لباس عادی این مسئله متمایز باشد.»

٤. قرائت زیارت عاشورا

خواندن زیارت عاشورا در ایّام محرّم بسیار مورد تأکید ائمه و بزرگان بوده است و اگر شخص همراه با صد لعن و صد سلام بخواند بهتر است ولی اگر کسی فرصت ندارد به همان یک لعن و یک سلامی که هست اکتفا کند و انسان باید بداند که قرائت زیارت عاشورا تأثیر عمیقی بر اعماق وجود انسان می‌گذارد. همهٔ زیارت‌های حضرت سیّدالشّهدا، به خصوص زیارت وارث، زیارت‌های مهمّی است، ولی این زیارت عاشورا

---

[1] برگرفته از شرح حدیث عنوان بصری، جلسهٔ ۱٤۹ و ۱۸٤.

زیارت خاصی است.

۵. عدم اظهار شادی

در ایّام محرم و صفر انسان نباید اظهار شادی و سرور کند؛ چون این دو ماه، ماه حزن وتألّم اهل‌بیت علیهم السّلام است. و اما برگزاری مراسم عقد در ماه محرّم بسیار بسیار هم خوب است و خیلی هم پسندیده است حتماً هم باید انجام داد و حتی در شب عاشورا هم می‌تواند انجام پذیرد. بله شیرینی آوردن غلط است. خندیدن غلط است. دست زدن غلط است. شادی غلط است آن را بگذارید برای غیر از محرّم و صفر، ولی خود مجلس عقد، و خود مجلس عروسی هیچ اشکال ندارد خیلی هم خوب است خیلی هم مستحبّ است. عقد عبادت است. ازدواج عبادت است. عبادت که نمی‌شود در شب عاشورا منهی باشد. شادی کردن در شب عاشورا غلط است ولی خود عقد، خود ازدواج، خود این پیمان حدّ و مرز ندارد و هیچ ا شکال ندارد.

٦. مصرف‌نکردن شیرینی و آجیل

از اول ماه محرم تا آخر ماه صفر، نباید شیرینی وآجیل و گز و از این امور به منزل آورده شود.